

## جایگاه اندیشه عکاس در عکاسی فاین آرت براساس نظریه مرگ مؤلف؛ با نگاهی بر آثار لارا زانکول

مسعود رجب زاده / دانشجوی کارشناسی ارشد عکاسی، دانشکده هنر، معماری و شهرسازی، موسسه آموزش عالی اقبال لاهوری، مشهد، ایران.\*

masoodrajabzadeh.1989@gmail.com

### چکیده

امروزه دست‌یابی به شیوه‌های نوین در عکاسی، یکی از دغدغه‌های هنرمندان این عرصه می‌باشد. شیوه نوین عکاسی فاین آرت را نه می‌توان به عنوان یک شاخه عکاسی معرفی کرد و نه یک سبک ابداع شده، بلکه در حقیقت، مصادیقی از نگاه ویژه و ذهنیات عکاس نسبت به موضوعات مختلف است که به شکلی مفهومی به تصویر کشیده شده است. عکاسان حرفه‌ای فاین آرت سوژه‌هایی را برای عکس‌های خود انتخاب می‌کنند تا ایده‌های ذهنی و مفاهیم عکس به سرعت قابل درک نباشد. به این ترتیب، بیننده ضمن لذت بردن از زیبایی‌های بصری، در مورد هدف عکس به تفکر و اندیشه فرو می‌رود. در این تحقیق، به بررسی نقش تفکر و اندیشه عکاس در عکاسی فاین آرت می‌پردازم. بدین منظور با نگاهی به نظریه مرگ مؤلف رولان بارت و نظریه آن که هر مولفی پس از نگارش متن خود می‌میرد و آنچه از نوشته او باقی می‌ماند، تفسیر و برداشتی است که خواننده از متن او می‌کند، به بررسی این موضوع که نظریه مرگ مؤلف در عکاسی فاین آرت چه جایگاهی دارد، می‌پردازم. برای مطالعه موردی، آثار لارا زانکول، عکاس لبنانی از این منظر که تا چه حد اندیشه‌هایش در آثارش نزدیک شده است، بررسی می‌شود. در نهایت، سعی بر آن دارم تا علاوه بر بررسی اندیشه در عکاسی فاین آرت، به آثار لارا زانکول نگاهی با نظریه مرگ مؤلف داشته باشم.

کلیدواژه‌ها: عکاسی فاین آرت، هنرهای زیبا، لارا زانکول، مرگ مؤلف، رولان بارت.

## **The Position of the Photographer's Thought in the Art Photography based on the Theory of the Author's Death; Looking at the Works of Lara Zankoul**

**Masoud Rajabzadeh** / Master's student in Photography, Faculty of Art, Architecture and Urban Planning, Eqbal Lahoori Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.\*  
masoodrajabzadeh.1989@gmail.com

### **Abstract**

Today, finding new ways to photograph is one of the concerns of artists in this field. The modern way of fine art photography cannot be introduced as a branch of photography or an invented style, but in fact, it is an example of a special look and mentality of the photographer towards different subjects, which is depicted in a conceptual way. Professional art photographers choose subjects for their photos so that the mental ideas and concepts of the photo aren't quickly understood. In this way, while appreciating the visual beauty, the viewer can think about the goal of the photograph. In this research, I examine the role of photographic thought in art photography. For this purpose, by looking at Roland Barthes's theory of the author's death and his theory that every author dies after writing his text and what remains of his writing is the interpretation and impression that the reader makes of his text, to examine the issue that the author's death theory in What is the position of fine art photography? For a case study, the work of Lara Zankoul, a Lebanese photographer, is considered in terms of the proximity of her thoughts in her work. Finally, I try to look at Lara Zankoul's works with the theory of the author's death, in addition to examining the thought in the art photography.

**Keywords:** fine art photography, fine arts, Lara Zankoul, death of the author, Roland Barthes.

## مقدمه

عکاسی با اینکه در مقایسه با سایر شاخه‌های هنری قدمت چندانی ندارد، اما بی‌شک یکی از جذاب‌ترین شاخه‌های هنری است. دست‌یابی به شیوه‌های نوین در عکاسی یکی از دغدغه‌های هنرمندان این عرصه می‌باشد. فاین آرت یکی از این شیوه‌های نوین است. عکاسی فاین آرت (fine-art) همواره به بیان تفکرات عکاس می‌پردازد و دغدغه‌های شخص مؤلف را انعکاس می‌دهد. حال آنکه این مرز تفکرات عکاس است که برای دیدن عکس به ما جهت می‌دهد. اگر بدون شناخت خالق اثر به عکس‌ها نگاه کنیم، در سبک‌های مختلف سفر می‌کنیم و با افکار مختلف می‌بینیم و نهایت امر آنچه از نگاه ما تعریف می‌شود، ایده عکس می‌شود. در نظریه مرگ مؤلف (the death of the author)، رولان بارت (Roland Barthes) به این نکته اشاره می‌کند: «چنین به نظر می‌رسد که همیشه در انتها ایستاده است. صدای شخصی واحد، یعنی مؤلف، که در گوش ما راز می‌گوید». (بارت، ۱۳۸۲).

بارها اتفاق افتاده است که اثری از یک عکاس مشهور یا یک نقاش معروف دیده می‌شود و هیچ مفهومی از آن برداشت نمی‌شود. در حالی که گاهی در میان آثار هنرمند آماتور، پدیده‌هایی رخ می‌دهد که در آثار هنرمندان دارای سبک و جایگاه به راحتی یافت نمی‌شود. آیا به راستی نگاه به آثار و بررسی آن‌ها بدون شناخت خالق آن کار سختی است؟

عکاسی مفهومی به دنبال بیان ایده و نظر خود از طریق نمادها و سمبل‌ها است. هدف، ایجاد اثری برای لذت بردن مخاطب است که البته مخاطب تعریف دارد. مک کازلند (Mack Kazland) در مقاله‌ای در مورد عکاسی مستند اینچنین بیان می‌کند: «عکاسی مستند برای عوام نیست و باید برای مخاطب خاص انجام می‌شود». گاهی ایجاد آثار مفهومی به دلیل اینکه دور از قوانین هنر و ساختارهای تعریف شده هستند، مورد نقد شدید منتقدان هنر قرار می‌گیرند. فاین آرت در بعضی مواقع آثاری را در برمی‌گیرد که باعث ایجاد ترس و تشویش در ذهن بیننده می‌شود، اما میزان موفقیت آثار فاین آرت به میزان احساساتی که در ذهن بیننده ایجاد می‌کند، بستگی دارد.

برای بررسی این سوال در عکاسی فاین آرت که درک محتوا بدون شناخت عکاس تا چه حد ما را به بیننده مناسب تری تبدیل می‌کند، نیاز به شناخت بهتر این عکاسی داریم. همچنین برای اینکه بدانیم تفکر عکاس برای بیننده چه اهمیتی دارد، بایستی نگاهی به نظریه

مرگ مؤلف بارت داشته باشیم. در ادامه سعی کردم تا آثار لارا زانکول (Lara Zankoul)، عکاس جوان را بررسی کنم.

### روش پژوهش

این پژوهش به روش توصیفی - تحلیلی به بررسی عکاسی فاین آرت می‌پردازد و اندیشه را از نگاه مخاطب بدون در نظر گرفتن عکاس بررسی می‌کند. در ادامه، عکس‌های لارا زانکول را بررسی می‌کند تا نمونه‌ای از فاین آرت را با نگاه به اندیشه عکاس و فارغ از شناخت عکاس بررسی کنیم. همچنین نظریه مرگ مؤلف رولان بارت بررسی می‌شود و اندیشه از نگاه بیننده اثر بررسی خواهد شد. عکاسی مفهومی بررسی خواهد شد تا با نگاهی به محتوای این عکس‌ها و نگاه متفاوت فاین آرت بهترین روش دیدن عکس‌های دارای اندیشه انتخاب شود.

### پیشینه پژوهش

در مورد اندیشه در عکاسی فاین آرت، تعداد محدودی مقاله ناتمام موجود هست. البته در خصوص عکاسی فاین آرت مقالات فراوانی است، اما بیشتر در باب معرفی و جایگاه آن بررسی انجام شده است. در باب اندیشه رولان بارت و مرگ مؤلف نیز پژوهش‌های فراوانی انجام شده اما با توجه به اینکه این مقاله در حوزه ادبیات بوده، بیشتر در این فضا بررسی شده است، اما تاکنون بررسی اندیشه از نگاه رولان بارت و نظریه مرگ مؤلف در عکاسی پژوهشی انجام نشده است. تنها می‌توان به چند مقاله در این باب اشاره کرد. اصغرزاده (۱۳۹۹) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «جایگاه اندیشه در عکاسی با نگاهی به آثار سیندی شرمین و باربارا کروگر»، در نهایت به این نتیجه می‌رسد که در حال حاضر، مخاطب عکس‌ها افرادی هستند که نسبت به درک و فهم آثار در جایگاه مناسبی قرار دارند و در واقع، اندیشه با توجه به مخاطب خاص در عکس‌ها گنجانده نشده است.

ملک محمدی کجور (۱۳۹۸) در مقاله خود با عنوان «مطالعه بازتاب ویژگی‌های روانی (امر خصوصی) در تولید تصاویر عکاسی با نگاهی به عکاسی صحنه‌آرایی شده»، به بررسی عکس‌های صحنه‌آرایی شده با دید روان‌کاوانه پرداخته است. به گونه‌ای اندیشه سه عکاس را بررسی می‌کند که در واقع، مسائلی که آن‌ها به آن پرداخته‌اند، مشکلاتی است که در مخاطب بارها و بارها با آن برخورد کرده است و از این‌رو، مخاطب بسیار راحت با اثر ارتباط برقرار

می‌کند. همچنین دانش پژوه (۱۳۹۷) در پایان نامه‌اش با عنوان «بازشناسی واقعیت برساخته در عکاسی مفهومی با تأکید بر آثار توماس دیمند» با تأکید بر واقعیت عکس‌ها که به اعتقاد ایشان وانموده‌ای از واقعیت است، می‌پردازد.

## عکاسی فاین آرت

عکاسی فاین آرت را نه می‌توان به عنوان یک شاخه عکاسی معرفی کرد و نه یک سبک ابداع شده است. فاین آرت در حقیقت، مصادیقی از نگاه ویژه و ذهنیات عکاس نسبت به موضوعات مختلف است که به شکلی مفهومی به تصویر کشیده شده است. فاین آرت در هنرهای تجسمی و بصری هم وجود دارد و هنرمندان زیادی با این رویکرد آثار مختلفی خلق کرده‌اند. عکاسی فاین آرت یکی از شاخه‌های این هنر بوده و با عنوان عکاسی هنرهای زیبا نیز شناخته می‌شود. این عکس‌ها با هدف انتقال نگاه ویژه و هدفمند عکاس به موضوعات مختلف با استفاده از زیبایی‌های بصری به بیننده تهیه می‌شوند. تفاوت عمده بین یک عکس اسنپ شات (snapshot) و یک عکس فاین آرت وجود دارد. اسنپ شات لحظه‌ای از زمان را ثبت می‌کند؛ در حالی که عکس فاین آرت حکایت گر احساسات، عواطف و زیبایی آن لحظه از زمان است. اگرچه ترجیح برخی هنرمندان این است که عکسی زیبا خلق کنند، اما لازم نیست که یک عکس برای اینکه در دسته فاین آرت قرار گیرد، حتماً عکسی زیبا باشد. عکس فاین آرت تعهدی برای نشان دادن واقعیت ندارد. کسانی هستند که استدلال می‌کنند که یک عکس فاین آرت در واقع به مخاطب تنها اجازه می‌دهد تا جهان را همان‌گونه که ذهن عکاس برای مخاطبین تصویر می‌کند، ببینند. اما نکته مهم این است که آیا در نگاه بیننده چه بخش‌هایی علاوه بر دیدگاه عکاس دریافت می‌شود؟

## عکاسی مفهومی

«هر تلاشی برای تعریف هنر مفهومی (conceptual art)، بلافاصله با این مشکل مواجه می‌شود که تعریف، خود یکی از مهمترین چیزهایی است که هنر مفهومی آن را به بازی می‌گیرد و به خطر می‌اندازد. هنر مفهومی هنری است درباره فعل فرهنگی تعریف، که به طور انتخابی، اما نه انحصاری، به تعریف «هنر» می‌پردازد. هنر مفهومی در درجه نخست و بیش از هر چیز، هنر سؤالات است و از همان آغاز، سؤالات بی‌شماری را درباره خویشتن برانگیخته

است» (آزبورن، ۱۳۸۳: ۸).

این سوالات در ابتدا به وجود می‌آید که چگونه می‌توان یک هنر خاص را مفهومی بنامیم؟ آیا باید سبک خاص یا دوره زمانی خاصی باشد؟ آیا تمامی آثار هنری دارای مفهوم نیستند؟ آیا تمام هنرمندان ایده یا محتوایی برای خود ندارند؟

در تمام آثار هنری، شاید مفهوم و ایده وجود دارد، اما در هنر مفهومی ایده و محتوا مهم‌ترین عامل یا حتی اصلی‌ترین موضوع مورد بحث است. در حقیقت، مادیت اثر در اولویت‌های پایین‌تری از محتوا قرار می‌گیرد. همان‌طور که لویت (Solomon Lewitt) می‌نویسد «هنر مفهومی ساخته شده است تا ذهن بیننده را درگیر کند، نسبت به اینکه بخواهد چشم یا احساسش را تحریک کند» (لویت، ۱۳۹۵: ۳۷).

در عکاسی مفهومی، عکاس به دنبال انتقال مفهومی خاص در آثارش می‌باشد. بیننده با علم به ژانر عکس می‌تواند ساعت‌ها به آن نگاه کند و مفاهیم متعددی را از آن برداشت کند. الزاما این عکس‌ها جذاب نیستند و گاهی ممکن است کاملا خسته‌کننده باشند. شاید بتوانیم بگوییم در عصر حاضر، خلق آثار بدون ایده و محتوا محکوم به فراموشی شده‌اند. کیارنگ علایی در کتاب عکس به مثابه هنر معاصر، در مورد عکس‌های محتوایی این‌گونه تحلیل می‌گوید: «همیشه فکر کرده‌ام گذر از دوران مدرن در عکاسی، به کنار زدن نقش مولف‌گونه عکاس انجامیده، اما گسست کامل از دورانی که عکاسی قاطعانه و مصرانه کوشید خصوصیات اصلی خودش را برجسته کند و بیش از همیشه شبیه خودش رفتار کند، نه تنها به میدان دادن به مفاهیم جدیدی برای قرارگیری در لباس و قامت عکاسی انجامید، که نیت‌مندی عکاس در پرداختن به این دسته از موضوعات که قبل‌تر وجاهت لازم را برای عکاسی نداشت، دارای اهمیت فوق‌العاده‌ای شد و رابطه ماهوی عکاس با موضوعاتش محلی برای ارجاع به تصویر و بازشناسی نشانه‌ها و شناخت رمزگانی شد که امروز به تصویر، زندگی جدیدی بخشیده‌اند» (کاتن، ۱۳۹۹).

## مرگ مؤلف

مقاله‌ای از رولان بارت که در سال ۱۹۶۷ نوشته شد و نقدها و بحث‌هایی به دنبال خود داشت. در این نظریه، تلاش رولان بر این بوده تا منتقدان را که تاریخچه و نوع زندگی شاعر یا نویسنده را در تفسیر متن ورود می‌دهند، بر حذر دارد و در برابر آن پیشنهاد می‌دهد که

پدیدآور از متن جدا باشد. از نظر رولان بارت، مؤلف حکم مهمان متن را دارد، نه اینکه نگارنده یا شاعر به منزله‌ی مغز کلام یا روح متن در نظر گرفته شود! در حقیقت، مرگ مؤلف، عدم نیاز به حضور نویسنده یا شاعر یا خالق اثر به منظور توضیح اثر پس از نشرذهنی‌اش می‌باشد که پدیدآورنده هنگام نگارش می‌بایست خود را از دایره متن بیرون کشد و تمام معانی پنهان شده در زوایای ذهن خود را به روی کاغذ آورد تا مخاطب به هنگام مطالعه به منظور درک متن، نیاز به وجود صاحب اثر را احساس نکند. به گفته خود رولان بارت در مورد مؤلف می‌گوید: «چنین به نظر می‌رسد که همیشه در انتها ایستاده است، صدای شخصی واحد، یعنی مؤلف، که در گوش ما راز می‌گوید» (بارت، ۱۳۸۲). نگاه رولان بارت به خالق اثر کمک می‌کند در تفسیر اثر ما را به محتوای ناب‌تری نزدیک می‌کند که در بخش بررسی عکس‌ها با این موضوع بیشتر درگیر خواهیم شد.

## لارا زانکول

لارا زانکول، یک هنرمند میان‌رشته‌ای ساکن شهر بیروت در لبنان است. آثار او رفتارهای روزمره انسان و مسائلی را که در جامعه رخ می‌دهد را از طریق عکاسی به تصویر می‌کشد. هدف او این است که بینندگان را دعوت کند تا تفسیر و درک خود از عکس‌ها و داستان‌های پشت آن‌ها را ارائه دهند. آثار او نه تنها در هویت مفهومی، بلکه در بی‌زمان بودنش نیز برجسته است. به‌عنوان یک عکاس خودآموخته، کارهایش به شدت مبتنی بر آزمایش و ساختن جهان در عکس‌هایش است؛ تا لحظاتی را خلق کند و آن‌ها را بسازد نه اینکه فقط آن‌ها را مستند کند. آثار او در تعدادی نمایشگاه به نمایش درآمده است. در بیروت در گالری‌های به صورت محلی، در نمایشگاه‌های گروهی و به صورت انفرادی در گالری ایام و سالن هنری بیروت نمایش داده شده است. آثار او در فضای بین‌المللی، در گالری Guy Hepner در نیویورک و گالری HEIST در لندن به نمایش گذاشته شده است.

چرا زانکول انتخاب شده است؟ به دلیل کارهای این عکاس که در تمامی آن‌ها محتوا وجود دارد. انتخاب عکاسی نه چنان مشهور که عکس‌هایش از خودش به نام‌تر باشد و نه عکاسی ناشناخته و گمنام. در این حالت، می‌توان با خیالی آسوده و بدون ترس از شنیدن تفاسیر مستعمل به بررسی آثار این عکاس پرداخت.

## بررسی آثار زانکول

آنچه در این بررسی انجام خواهد شد، به دو دسته تقسیم می‌شود. اول از چند عکاس در سبک‌های مختلف خواسته شد تا در مورد عکس‌های انتخاب شده تحلیل و آنچه را دریافت می‌کنند بنویسند. در گام دوم، با زانکول ارتباط برقرار شد و در مورد عکس‌ها نظر شخصی و ایده اولیه خودش در این عکس‌ها را شرح داد. شش عکس از کارهای زانکول انتخاب شد و البته انتخابی آگاهانه از این جهت که این عکس‌ها در ژانرهای مختلف قابل تحلیل و بررسی می‌باشند. در ابتدا تفاسیر دریافتی از افراد را بررسی می‌شود و در ادامه نظر و ایده لارا زانکول بررسی می‌شود.



تصویر ۱: The Zoo

تحلیل ۱: درون و بیرون. در قسمت بالایی، ماهیت واقعی به چشم می‌خورد، اما در بخش آب چیزی که به نمایش گذاشته می‌شود. گاهی ما آن چیزی می‌شویم که جامعه می‌خواهد ببیند.

تحلیل ۲: دو بخش در زندگی یا به تعبیری درون و بیرون. خرگوش نماد عشق است و عاشق بودن زن را نشان می‌دهد. اسب نماد هوس‌ها و تنوع طلبی مرد را به نمایش می‌گذارد. تحلیل ۳: نگاه برتری زن در عکس با توجه به حالت نشستن به چشم می‌خورد. خرگوش نمادی از تیزهوشی و اسب حیوان فرمان‌بر، بر این نظریه تأکید دارد.



تصویر ۲: Hurtful

تحلیل ۱: قرمز نماد باروری و قیچی نماد زوج. درون‌زایی در این تصویر به چشم می‌خورد. انسان از خود دوباره متولد می‌شود.

تحلیل ۲: قطع حیات خویشتن یا به نوعی توقف زاد و ولد. پارادوکس را به تصویر می‌کشد. آب مایه حیات در



مقابل برش بند حیات با قیچی برش می خورد.

تحلیل ۳: تفاوت در دو قسمت ظاهری و بالای آب با اتفاقاتی که در درون انسان‌ها و در قسمت درون آب می‌افتد، یکسان نیست. جنگی که با نقاب دوستی پنهان شده است.

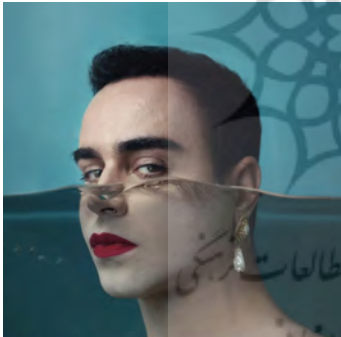


تصویر ۳: Nouveaux Riches

تحلیل ۱: نقاب‌ها و دوگانگی در زندگی. انسان‌هایی که در باطن، در وضعیت بدی قرار گرفته‌اند، ولی در نقاب زندگی شرایطی آرمانی را به نمایش گذاشته‌اند.

تحلیل ۲: آرزوها و رویاها تبدیل به عقده می‌شود. بیمارگونه نقاب بر زندگی که از آن لذتی نمی‌برد، می‌زند.

تحلیل ۳: اختلاف در دو قسمت تصویر نشان از فقری که با نقابی پوشانده شده است. الزام فقر مالی نیست و می‌تواند فقر فرهنگی باشد.



تصویر ۴: Femme

تحلیل ۱: آنیما و آنیموس. در باطن شخصیت زنانه و در ظاهر شخصیت مردانه نیز برداشت می‌شود. حس سرکوب‌گر درون.

تحلیل ۲: عدم رضایت از ظاهری که در تضاد با درون سکوت کرده است.

تحلیل ۳: اولین دریافت ترنس می‌باشد. زندگی یک ترنس که در درون خود تمایلات زن بودن و در بیرون که جامعه می‌باشد، به دلیل فشارها امکان بیان واقعیت را ندارد.



تصویر ۵: Beirut

تحلیل ۱: به نظر این عکس کانسپچوال است. کفش سیندرلا در دست، در جهت خلاف با آنچه در رویا و سیال ذهن می‌گذرد، در تلاش است. فاصله و تلاطم در ذهن. تحلیل ۲: توجه به عوامل خوشبختی در جایی خارج از زندگی مشترک است. همچنان اختلاف طبقاتی در عدم موفقیت در زندگی مشترک تفهیم می‌شود. تحلیل ۳: مرد با عدم توجه به همسر خود و عشق‌ورزی در جایی دیگر باعث نابودی زن شده است.



تصویر ۶: Feminim

تحلیل ۱: حس دوگانگی در این عکس منتقل می‌شود. آب نمادی از سیال ذهن است و در ناخودآگاه انسان است. شاید به نوعی زندگی دوران جنینی در آب و مقایسه با دوران خشن واقعی در مقابل هم قرار گرفته‌اند. تحلیل ۲: مفهوم فمینیستی برداشت می‌شود. مرد در لباس خدمت‌کار فرمان‌بردار زنی است که در درون مرد رخنه کرده است. تحلیل ۳: دگرجنسی‌ها در یافت می‌شود. مردی که تمایل جنسی به زن بودن دارد و در درون زنی است که به دلایل فشارهای جامعه ولعیت را پنهان می‌کند. لارا زانکول در مجموعه خود، «دیده نشده» (The Unseen)، مرزهای سوررئالیسم عکاسی را از طریق مجموعه‌های ساخته شده در اندازه واقعی خود به جلو می‌برد. زانکول دقیقاً از طریق استفاده از دوربین خود و بدون دست‌کاری دیجیتال، تصاویری رویایی ایجاد می‌کند که در آن از آب برای به تصویر کشیدن ویژگی‌های متضاد شخصیت‌هایی که عکس می‌گیرد، استفاده می‌شود. هر تصویر احساسات متفاوت انسانی و چشم اندازه‌های دوئلی را که می‌تواند وجود داشته باشد، به تصویر می‌کشد. زانکول بیننده را دعوت می‌کند تا هر تصویر را بررسی کند و تلاش کند تا مشخص کند کدام نیمه عنصر حقیقت را در خود جای داده است. زانکول در مورد کار خود گفت: «پشت هر عکسی که می‌گیرم یک نیت یا پیامی وجود دارد. نحوه ترکیب‌بندی یک تصویر، استفاده از نمادها، نور و انتخاب رنگ، همه بخشی از پیام منتقل شده هستند. عکس‌های من به بررسی این پیام می‌پردازند. جذابیت و رمز و راز عکس‌ها بر روی روان انسان

اثر مفهومی متفاوت دارد که جنبه روان‌شناختی انسان را لمس می‌کند. موقعیت‌های عجیب و غریب، موارد نابه‌جا، ابعاد سورئال، کشمکش‌های عجیب ذهن را به سرگردانی می‌کشاند تا امکان تفسیر داستان‌های ناتمام و بررسی سوالات بی‌پاسخ را پیدا کند. از طریق تصاویرم، بیننده را دعوت می‌کنم تا نمادهای پنهان را رمزگشایی کند و با تصویر تعامل کند تا واقعیت و تجربه شخصی خود را بازتاب دهد. چیزی که در وهله اول بسیار غیر واقعی به نظر می‌رسد، می‌تواند نزدیک‌تر از چیزی باشد که ما انتظار داریم و باعث پیچیدگی‌های تفکر ما شود». او همچنین اعلام کرد که آثارش از نقاشی‌های سورئال و رنسانس، روان‌شناسی و مشاهده مردم و جامعه الهام گرفته شده است. همچنین، دو تن از عکاسانی که آثارشان بر او تأثیر گذاشته، تیم واکر (Tim Walker) و آنی لیبوویتز (Annie Leibovitz) هستند.

### نتیجه

با مقایسه تحلیل‌های انجام شده توسط جامعه آماری و نظر لارا زانکول، نیاز به یافتن راه‌حلی برای تحلیل عکس‌ها بیشتر احساس می‌شود. این بار عکاس خود به دنبال انتقال مفاهیم از نگاه هر شخص است و این گامی در راه تحلیل عمیق عکس‌هاست. عکاس مرده است یا باید بمیرد زیرا:

- عکاس در دسترس نیست. فقط عکس را داریم و هیچ عکاسی را نمی‌توانیم به عکس نسبت دهیم.

- هیچ عکاسی نمی‌تواند تمامی تفاسیری را که دیگران در مورد عکس‌های او می‌کنند، ارائه دهد.

- عکس‌ها خارج از خواسته عکاس معانی متفاوتی را به وجود می‌آورند و عکاس نمی‌تواند مفهوم را صرفاً به آنچه خود می‌اندیشد، محدود سازد.

- اندیشه در هر مرکز اندیشه‌ای متفاوت است و راز زیبایی نیز همین تفاوت‌ها می‌باشد. نگاه به عکاسی در ژانرهای مختلف و مفاهیم مختلف را هرگز با یک متن یا گزارش نشأت گرفته از یک سیستم فکری خاص، نمی‌توان تفسیر کرد.

مقایسه تفاسیر مختلف از عکس‌های لارا زانکول، ژانرهای مختلفی که به عکس‌ها اطلاق شد و نگاه‌های مختلف به انسان، زن و مرد، فمینیسم، صحنه‌آرایی و موارد دیگری که در تحلیل‌ها استفاده شده بود، نشان از درک متفاوت از یک هنر است. عکس‌هایی که در نگاه

عکاس حرفی از نکته‌ای خاص دارد؛ در حالی که از نگاه مخاطب اصلا به چشم نمی‌آید. عکاسی با اینکه دارای ژانرهای متفاوتی است، اما هدف آن انتقال مفاهیم از نگاه دوربین است. فارغ از اینکه این نگاه جلو دوربین یا پشت دوربین باشد. همواره محتوا در بسیاری از ژانرها محور اصلی است. گاهی این ژانرها با هم تلاقی دارند، اما شاید عکاس تمایلی به تفسیر عکس خود در ژانر دیگر نداشته باشد. اینجاست که می‌بایستی به بیننده اجازه داد تا از درون خود و با نگاهی جدا از نگاه عکاس محتوا را دریابد.

### منابع

- اصغرزاده، امیر. (۱۳۹۹). جایگاه اندیشه در عکاسی با نگاهی به آثار سیندی شرممن و باربارا کروگر. موسسه آموزش عالی ناصر خسرو.
- آزبورن، پیتر. (۱۳۸۳). هنر مفهومی. ترجمه هلیا دارابی. تهران: مرکب سپید.
- بارت، رولان. (۱۳۸۲). «مرگ نویسنده». ترجمه داریوش کریمی. هنر. ۲۵. ۳۷۷-۳۸۱.
- دانش پژوه، ثریا. (۱۳۹۷). بازشناسی واقعیت برساخته در عکاسی مفهومی با تأکید بر آثار توماس دیمند. دانشکده هنرهای تجسمی. دانشگاه هنر.
- کاتن، شارلوت. (۱۳۹۹). عکس به مثابه هنر معاصر. ترجمه کیارنگ علایی. تهران: حرفه هنرمند.
- لویت، سل. (۱۳۹۵). «چند پاراگراف در مورد کانسیپچوالیسم؛ درباره مفاهیم هنر مفهومی». ترجمه رضا رفیعی راد. تندیس. ۳۶-۳۷. ۳۲۸.
- ملک محمدی کجور، فاطمه. (۱۳۹۸). مطالعه بازتاب ویژگی‌های روانی (امر خصوصی) در تولید تصاویر عکاسی با نگاهی به عکاسی صحنه‌آرایی شده. دانشکده هنر. دانشگاه هنرهای زیبا.